

خبر

سوریه تکذیب کرد

توافق سری با اسرائیل نداشتیم

● سوریه وجود هرگونه توافق سری میان تل‌آویو و دمشق درباره دریافت واکسن‌های روسی از اسرائیل در چارچوب توافق تبادل اسرا بین دو طرف را تکذیب کرد. به گزارش اپرنا، رسانه‌های اسرائیلی به‌تازگی گزارشی درباره توافق مخفیانه میان تل‌آویو و دمشق بر سر دریافت واکسن روسی منتشر کردند. ه‌آرترز مدعی شد در چارچوب توافق صورت‌گرفته اخیر میان تل‌آویو و دمشق بر سر تبادل اسرا، بندی مبنی بر ارسال واکسن‌های روسی به سوریه وجود دارد که دو طرف مخفیانه بر سر آن به توافق رسیده‌اند. یک منبع رسانه‌ای سوریه به این خبر منتشرشده واکنش نشان داد و آن را تکذیب کرد. او کفت: انتشار چنین خبرهایی با هدف تخریب چهره سوریه و ضربه‌زدن به عملیات توافق اسرا و همچنین ژست انسان‌دوستانه تل‌آویو انجام شده است. منبع سسوری تأکید کرد توافق عملیات تبادل اسرا کاملا شفاف بوده و هیچ‌گونه توافق سری میان دو طرف بر سر هیچ بندی صورت نگرفته است. در چارچوب توافق اخیر تبادل اسرا میان اسرائیل و سوریه که تحت نظارت روسیه انجام شده است، دو جویان سوری و یک زن ساکن فلسطین اشغالی مبادله شدند.

بحران غذایی در سوریه

از سوی دیگر، سازمان «کمک به گرسنگان جهان» برآورد می‌کند بیش از ۱۲ میلیون شهروند سوریه از دسترسی به غذای کافی محروم هستند. جمعیت سوریه حدود ۲۱ میلیون نفر برآورد می‌شود که دست‌کم پنج میلیون نفر آنها از زمان آغاز جنگ داخلی در بهار ۲۰۱۱ تاکنون آواره کشورهای خارجی شده‌اند. در ۱۰ سال گذشته میلیون‌ها سوری در کشور خود بی‌خانمان شده‌اند که شمار بزرگی از آنها در اقامتگاه‌های موقت در مناطق هم‌مرز با ترکیه در شمال سوریه به سر می‌برند. هماهنگ‌کننده سازمان آلمانی کمک به گرسنگان جهان می‌گوید در سال‌های اخیر به‌دلیل سقوط شدید ارزش پول ملی سوریه، قیمت مواد غذایی بیش از سه برابر افزایش یافته است. افزون‌بر کاهش قدرت خرید شهروندان، حکومت بشار اسد قادر به جبران خسارت‌های اقتصادی ناشی از پاندمی کرونا در کشور نیست و این وضعیت مشکلات اکثریت مردم را دوچندان کرده است. شهروندانی که در سال‌های دولتی جنگ داخلی، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند و آوارگانی که در اردوگاه‌ها در جادر زندگی می‌کنند و از حداقل امکانات رفاهی و وسایل گرمایشی محروم هستند، با آغاز فصل سرما و باردگی با معضلات مضاعفی روبه‌رو شده‌اند. ناظران معتقدند این آمار فقط بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد و شمار مبتلایان و قربانیان، به‌خصوص با توجه به کمبود امکانات بهداشتی و ازدحام در اردوگاه‌های آوارگان، باید بسیار بیشتر از آمار رسمی باشد.

در نشست گروه ۷عنوان شد تقسیم عادلانه واکسن کرونا

● گروه هفت (G۷)، متشکل از هفت قدرت اقتصادی جهان (آمریکا، کانادا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و بریتانیا) تصمیم گرفت در مبارزه علیه کرونا در سطح جهان به تقسیم عادلانه واکسن کرونا به کشورهای کم‌درآمد کمک کند. به گزارش دوپچه‌وله، در نشست گروه هفت، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه و جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا شرکت کردند.

آتلا آرد مرکل، صدراعظم آلمان، اعلام کرد آلمان یک‌میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو به کوواکس کمک خواهد کرد. جو بایدن، رئیس جمهوری جدید آمریکا نیز گفته است کشورش تا چهار میلیارد دلار به برنامه جهانی تقسیم واکسن (کوواکس) کمک خواهد کرد. کاخ سفید اعلام کرد پاندمی کرونا نشان داده است که هیچ کشوری در جهان قادر نیست به‌تنهایی از عهده بیماری کرونا برآید. بایدن گفته است همه کشورهای جهان باید در شرایطی باشند که بتوانند در شناسایی و مقابله با کرونا اقدام کنند. آمریکا همچنین اعلام کرد در وهله نخست دو دو میلیارد دلار به کوواکس کمک خواهد کرد و دو میلیارد دلار دیگر نیز در دو سال آینده به صندوق کوواکس واریز خواهد شد. ایالات متحده برای کمک دو میلیارد دلاری خود در دو سال آینده، شرط گذاشته است که این کمک در صورت عملی شدن وعده دیگر کشورهای در حمایت مالی از کوواکس انجام خواهد گرفت. خبرگزاری آلمان همچنین گزارش داده است که اتحادیه اروپا نیز ۵۰۰ میلیون یورو به کوواکس کمک مالی خواهد کرد. سازمان جهانی بهداشت مدتی پیش سازوکاری موسوم به «کوواکس» برای توزیع عادلانه واکسن کرونا را انداخت که کشورهای مختلف می‌توانستند با رعایت آن و پیش‌پرداخت بخشی از هزینه‌ها، وارد فهرست خریداران شوند. امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه، از کشورهای صنعتی پیشرفته خواست تا چهار درصد از مقدار واکسنی را که در اختیار دارند، به کشورهای درحال‌توسعه ارسال کنند. سازمان بهداشت جهانی از این پیشنهاد استقبال کرده است.

یک ماه چشم‌انتظاری برای تماس ازسوی کاخ سفید، برای «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، روشن کرد روزهای خوش او به پایان رسیده است و باید خود را برای دوران جدیدی آماده کند. او که در داخل نیز شرایط مناسبی ندارد و در حال آماده‌شدن برای انتخابات پارلمانی دیگری است، درصدد است موقعیت بین‌المللی خود را در میان اعراب، آن‌هم بعد از امضای چندین توافق برقراری روابط دیپلماتیک در دوران «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری سابق آمریکا و دیگر رهبران جهان تثبیت کند. بنابراین شاید زمان آن رسیده که اسرائیل با به‌روزرکن سیاست خارجی خود، دنبال رابطه‌ای نزدیک‌تر با فرانسه باشد.

مکرون، رفیق خوب گذشته

تردیبکی به فرانسه در این میمان می‌تواند گزینه خوبی برای نتانیاهو باشد. کشوری که بسیاری از اسرائیلی‌ها آن را به‌دلیل حمایت از مواضع فلسطینیان در مجامع بین‌المللی و انتقادهای پاریس به سیاست‌های اسرائیل، صداسرائیلی می‌دانند و برای بسیاری از آنان یادآور تحریم‌های تسلیحاتی است که از سوی شارل دوگل، رئیس جمهوری وقت فرانسه قبل از جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ علیه تل‌آویو وضع شد. همان‌طور که «الیور روفوویچ»، سخنگوی پیشین ارتش اسرائیل، در ماه سپتامبر ۲۰۲۰ در مقاله‌ای برای مؤسسه استراتژی و امنیت اورشلیم (JISS) نوشته بود، «درحال‌حاضر منافع سیاسی فرانسه و اسرائیل در بسیاری از موارد مشترک است». نخست آنکه امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه، رهبری ایستادگی اروپا در برابر بلندپروازی‌های رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، در شرق مدیترانه را برعهده داشت. این بلندپروازی‌ها هم اختلاف‌های ترکیه با یونان و قبرس را در بر می‌گیرد و هم حمایت اردوغان از اردوگاه‌های رفیق در لیبی را. موضع سخت مکرون در قبال اردوغان باعث شده است که فرانسه و اسرائیل علیه ترکیه در کنار هم قرار بگیرند. هفته گذشته، یونان و فرانسه در راستای تلاش‌های یونان برای تقویت ارتشش برای مقابله با چالش ترکیه در همسایگی خود، یک قرارداد تسلیحاتی سه میلیارد دلاری امضا کردند. این قرارداد، تنها چند هفته پس از توافق ۱٫۶۸ میلیارد دلاری یونان و اسرائیل برای راه‌اندازی یک مرکز آموزش پرواز برای نیروی هوایی یونان امضا شد.



خوزه موخیکا بیستم اکتبر، پیش از پایان‌یافتن دوره نمایندگی‌اش در سنای اروگوئه، به سبب بیماری از مقام خود کناره‌گیری کرد. تصمیم رئیس جمهوری پیشین اروگوئه را همه‌گیری ویروس کرونا تسریع کرد. او پس از اعلام کناره‌گیری از نمایندگی سنای اروگوئه گفت: می‌روم؛ چون این بیماری همه‌گیر من را بیرون می‌کند.

موخیکا در نامه‌ای که در جلسه فوق‌العاده سنا خواند، نوشته بود: «با تأسف فراوان، این وضعیت بیماری من را وادار می‌کند از مسئولیت سنگین سیاسی خود کناره‌گیری کنم و درخواست دارم استعفایم از کرسی سناتوری، که مردم به من اعطا کرده‌اند، پذیرفته شود.»

کمتر مشخصیتی را در جهان می‌توان یافت که زندگی‌اش مانند خوزه موخیکا باشد. از زندگی این اسطوره اروگوئه‌ای می‌توان نمایش‌نامه‌ای کِیرا نوشت؛ کسی که با به‌دست‌گرفتن اسلحه و رفتن به دنبال رؤیای چریکی راهش را آغاز کرد و آن را تا به آغوش کشیدن پایداترین دموکراسی آمریکای جنوبی ادامه داد. در سال ۱۹۶۳، جنبش چریکی و چپ‌گرای توپاماروس راه‌دهی از دانش‌جویان و کارگران مزارع نیشکر، با الهام از انقلاب کوبا، در اروگوئه تشکیل دادند - نام جنبش برگرفته از نام توپاک آماروی دوم، پادشاه اینکاها- بود. با کودتای سال ۱۹۷۳، خوان ماریا بورداباری، دیکتاتور راست‌گرا و رئیس جمهوری بعدی، این جنبش را سرکوب و عده زیادی از اعضایش، ازجمله خوزه موخیکا را (به نام شورشی) روانه زندان کرد. او ۱۳ سال زندانی بود و بالاخره در سال ۱۹۸۵، پس از بازگشت دموکراسی به اروگوئه، از زندان آزاد شد. او در تبدیل توپاماروس به حزب سوسیالیستی قانونی که بعدها به ائتلاف جبهه فرآکیر پیوست، نقش بسیار مهمی داشت. موخیکا چریکی بود که بین دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ جنبش را رهبری کرد و حدود ۱۳ سال در پادگان‌های مختلف نظامی در شرایط غیرانسانی زندانی بود.

او از سوی جنبش مشارکت مردمی، (بازوی سیاسی‌ای که جنبش آزادی ملی تأسیس کرده بود) وارد پارلمان شد. خوزه موخیکا پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، علاوه بر نمایندگی مجلس و سناتوری، وزیر کشاورزی می شد و پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری گفت که از لولا دو سیلوا، رئیس جمهور برزیل، پیروی خواهد کرد و نظر منتقدانش را که می‌گفتند او قصد ائتلاف با کشورهای چپ‌گرای منطقه مانند ونزوئلا دارد، رد کرد. ورود موخیکا به قدرت بی‌سروصدا نبود. سگ سه‌پایش، فولکس واکسن قورباغه‌ای قدیمی آسی‌اش، مزرعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، بخشیدن بخش عمده حقوق‌های در حضور در مراسم رسمی با کفش‌های کتانی سبب شد که چهره او نظر جهانیان را به خود جلب کند.

در انتخابات سال ۱۹۹۵، برای اولین بار به‌عنوان نماینده برگزیده شد و همین ریاست جمهوری است که در او نه‌نگام، پلیسی از او رسیده آیا قرار است مدت زیادی آنجا بماند؟ او پاسخ داد: «اگر اجازه بدهند، پنج سال خواهیم ماند». عبارتی که دهان به دهان بین مردم می‌چرخید.

خوزه موخیکا، چریکی که در دهه ۱۹۷۰ شکست خورده بود، با موفقیت به دنیای دموکراسی پیوست و پس از برقراری آن در اروگوئه به وزارت،

سناتوری و با بیشترین رأی در چهار انتخابات گذشته به ریاست جمهوری منصوب شد. او اکنون، برای ادامه نبرد، در حوزه دیگری نقل مکان می‌کند.

محبوبیت موخیکا با سخنرانی‌هایش که بیشتر فلسفی بود تا سیاسی،

جهان

با آغاز دولت بایدن، اسرائیل به برقراری روابط نزدیک‌تر با فرانسه می‌اندیشد

چرخش آرام نتانیاهو به سمت مکرون



ترکیه و یونان در تابستان گذشته تنشی در دریای مدیترانه داشتند؛ یک کشتی اکتشافی کوچک و یک ناوچه کوچک نیروی دریایی که برای تحقیقات لرزه‌نگاری دریایی در آب‌هایی که یونان آن را بخشی از سرزمین خود می‌داند، رودرروی هم قرار گرفتند و یونان برای عقب‌نشینی کشتی ترکیه، ناوهای جنگی خود را روانه منطقه کرد و پس از آن نیز آن‌ن با متحدان خود مانوری دریایی برگزار کرد. در این میان، مکرون پیشاز حمایت از یونان در اتحادیه اروپا بود.

درگیری‌های لیبی نیز مکرون و فرانسه را به‌همراه امارات متحده عربی، متحد نزدیکش در خلیج‌فارس و مصر، روبه‌روی ترکیه قرار داد. آنکارا برای حمایت از دولت لیبی که از نسوی سازمان ملل به رسمیت شناخته می‌شود، پشتیبانی نظامی خود را در اختیار لیبی قرار داد. در آن سو نیز فرانسه به همراه مصر، امارات و روسیه از نیروهای زنترال خلیفه حفتر، رقیب دولت لیبی، پشتیبانی می‌کنند. روفوویچ می‌نویسد: «مکرون تنها رهبری است که فعالانه با سیاست ترکیه در شرق مدیترانه مقابله می‌کند. این رویکرد مکرون باعث شده پاریس به متحدی درخور توجه برای مصر، امارات و اسرائیل تبدیل شود». در لبنان رئیس جمهوری فرانسه از زمان انفجار مرگ‌بار در ماه آگوست گذشته در بیروت، دو بار به لبنان سفر کرده و دوین زمسان نیز پاریس سرسخت‌ترین موضع را در قبال ایران در جریان مذاکرات ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین با تهران داشت.

مکرون هم در مصاحبه اخیر خود خواستار مشارکت سایر کشورهای منطقه ازجمله عربستان سعودی در مذاکرات جدید با ایران شده و اعتقاد دارد: «کنارگذاشتن این کشورها در مذاکرات منتهی به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، یک اشتباه بود». با این نوع اظهارنظرها و موضع‌گیری‌ها، فرانسه در حال بازگشت به موقعیتی است که در زمان دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری اسبق آمریکا داشت. در آن زمان نیز پاریس سرسخت‌ترین موضع را در قبال ایران در جریان مذاکرات ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین با تهران داشت. «ران لرمان»، معاون مؤسسه استراتژی و امنیت اورشلیم و معاون سابق رئیس شورای امنیت ملی

اسرائیل، معتقد است: «موضع سرسختانه فرانسه درقبال ایران، این امکان و فضا را به اسرائیل می‌دهد تا مانع از عجله و شیفتمگی دولت جو بایدن برای ازسرگیری مذاکره با ایران نشود». از طرف دیگر، بایدن گفته است علاقه‌مند به بازسازی روابط بین ایالات‌متحده و اروپاست که در دوره ترامپ با چالش‌های زیادی همراه بود. در چنین شرایطی، هماهنگی مواضع میان اسرائیل و فرانسه بسیار مفید و کارساز خواهد بود.

در مذاکرات منتهی به توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، فرانسه مشتاقانه خواستار جلب نظر اسرائیل در این توافق‌نامه بود؛ اما این هماهنگی انجام نشد، زیرا نتانیاهو که نمی‌خواست مشروعیتی به این توافق بدهد، به همه ارگان‌های اسرائیلی دستور داد درباره این توافق‌نامه با طرف دیگر وارد مذاکره نشوند. از نظر نتانیاهو، چنین تعاملی از سوی اسرائیل باعث بهترشدن توافق نمی‌شد.

لرمن می‌گوید: «در مورد ایران و ترکیه، مواضع فرانسه و اسرائیل بسیار نزدیک است. اسرائیل باید با پاریس هماهنگ‌تر شود». باوجوداین، مسئله فلسطین همچنان به‌عنوان مانع احتمالی در ارتقای همکاری‌ها بین اسرائیل و فرانسه مطرح است. به این توافق بدهد، به همه ارگان‌های اسرائیلی دستور داد درباره این توافق‌نامه با طرف دیگر وارد مذاکره نشوند. از نظر نتانیاهو، چنین تعاملی از سوی اسرائیل باعث بهترشدن توافق نمی‌شد.

لرمن می‌گوید: «در مورد ایران و ترکیه، مواضع فرانسه و اسرائیل بسیار نزدیک است. اسرائیل باید با پاریس هماهنگ‌تر شود». باوجوداین، مسئله فلسطین همچنان به‌عنوان مانع احتمالی در ارتقای همکاری‌ها بین اسرائیل و فرانسه مطرح است. به این توافق بدهد، به همه ارگان‌های اسرائیلی دستور داد درباره این توافق‌نامه با طرف دیگر وارد مذاکره نشوند. از نظر نتانیاهو، چنین تعاملی از سوی اسرائیل باعث بهترشدن توافق نمی‌شد.

لرمن می‌گوید: «در مورد ایران و ترکیه، مواضع فرانسه و اسرائیل بسیار نزدیک است. اسرائیل باید با پاریس هماهنگ‌تر شود». باوجوداین، مسئله فلسطین همچنان به‌عنوان مانع احتمالی در ارتقای همکاری‌ها بین اسرائیل و فرانسه مطرح است. به این توافق بدهد، به همه ارگان‌های اسرائیلی دستور داد درباره این توافق‌نامه با طرف دیگر وارد مذاکره نشوند. از نظر نتانیاهو، چنین تعاملی از سوی اسرائیل باعث بهترشدن توافق نمی‌شد.

خوزه موخیکا، سنای اروگوئه را ترک می‌کند، اما سیاست را نه

منوچهر بیزدانی

مسلمحانه تا دفتر کار ادارات و ریاست‌جمهوری کشور، پیر فرانزه قبیله شد. او با آرامش کسی که گویی باری از شان‌ه‌های خود برداشته و می‌خواهد سال‌های آخر زندگی‌اش را در آرامش بگذراند، با همان سلوک همیشگی، به مزرعه ساده و کوچک خود که سال‌ها در آن زندگی می‌کرده، بازمی‌گردد. موخیکا با کلماتی پراحساس از سیاست کناره گرفت. او گفت: «در زندگی همه چیز دیده‌ام و پشت‌سرخ گذاشته‌ام. شش ماه را با دست‌های از پشت بسته با سیم گذراندیم، دو سال بدون حمام‌کردن و در شرایطی زندگی کردم که استحمام با یک فنجان آب و یک دستمال بود. همه چیز بر من گذشت. می‌روم؛ چون بدون توان تحمل ندارم... ولی از کسی کینه‌ای به دل ندارم. سال‌هاست دیگر در باغم نفرت نمی‌کارم. در این زندگی سخت، یک درس آموختم و آن اینکه درنهایت نفرت احمقانه است و سبب از‌دست‌دادن عینیت‌ها می‌شود. نفرت مانند عشق کور است؛ اما عشق خلاق است و نفرت ویرانگر».

او همچنین، با وجود مهملم‌خواندن نظام سیاسی کشور، خواستار حفظ «رادمردی و نیک‌منشی» شد. زیرا اروگوئه کشور کوچکی است و مجبور است از بروز شکاف‌ها احتراز کند تا به هدفی مشترک برسد و بتواند در گذر زمان دوام بیاورد. سناتور کمونیست، اسکار آندراه، در مجلس گفت: «یافتن همانندی برای خوزه موخیکا ناشدنی است».

مجلس سنای اروگوئه، به اتفاق آرا، استعفای خوزه موخیکا را پذیرفت؛ اما موخیکا روز قبشل در مصاحبه‌ای با رادیوی محلی گفته بود از مجلس خارج می‌شود، ولی از سیاست نه! بعد از اوکار مانند انکار وجود هواس‌ت. او افزود که به کمک‌کردن در آموزش‌های سیاسی برای «پورش افکار و نظریه‌ها» ادامه خواهد داد. در نیمروز، هنگام وداع با همکارانش، ماسکش را برداشت و گفت: «در زندگی زمانی برای آمدن است و زمانی برای رفتن»
افزود که این بیماری همه‌گیر سبب شد تصمیم بگیرد استعفا دهد؛ زیرا «سناتوربودن به معنای به‌همه‌جافتن و گفت‌وگو کردن با مردم است. این شغل در دفتر و پشت میز انجام نمی‌شود. من از دو جهت در معرض خطر هستم، یکی کهولت سن و دیگری این بیماری مزمن که اگر فردا واکسنی هم پیدا شود، قادر به استفاده از آن نخواهم بود». او افزود: «سیاست را دوست دارم؛ اما نه بیشتر از زندگی». موخیکا سال‌هاست در این شغل است و برای زندگی‌کردن زمان کمتری داشته و می‌خواهد آن را حفظ کند. «حسن بزرگ و شاید تنها معجزه‌ای که وجود دارد، زندگی؛ یعنی زاده‌شدن، است. اینکه در سیاست جانیشینی برای کسی وجود ندارد؛ فقط یک نظریه است. ما از نان و مردان می‌آییم و می‌رویم؛ برخی از اندیشه‌ها زنده می‌مانند.» او گفت: «باید به نسل‌های جدید فرصت دهیم و به ساختن آینده کمک کنیم... باید تغییر رخ دهد؛ تنها ماندنی، همانا تغییر است».

موخیکا از مقامات و کارکنان، مخالفان و متحدان سیاسی خود در مجلس و همچنین از رأی‌دهندگانی که او را برای‌ترین سیاست‌مدار تاریخ معاصر کردند، سپاسگزار می‌گردد. در پایان سخنانش، همه هم‌زمانش صمیمانه او را تشویق کردند. آن روز او در کنار سناتور لوسیا توپولانسکی،

شریک زندگی‌اش بعد از بیرون‌آمدن از زندان‌های نظامی، نشسته بود.

موخیکا هنگام گفت‌زدن به پا خاست تا از اعضای گروه پارلمانی خود سپاسگزاری کند و پس از شنیدن سخنان خولیو ماریا سانکوبئتی، نخستین رئیس جمهوری عصر دموکراسی (۱۹۸۵- ۱۹۹۰)، ماسک خود را دوباره بر چهره نهاد. خولیو ماریا سانکوبئتی نیز همان روز از مجلس سان‌کناره شد.

منبع: روزنامه ال‌پایاس اسپانیا

نگاه

سیاست خاورمیانه آمریکا منسوخ‌شده‌و خطرناک‌است



کریس مورفی

سناتور دموکرات

● رئیس جمهوری ایالات‌متحده جیمی کارتر در سخنرانی خود در سال ۱۹۸۰ که درپی شوک‌های نفتی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ رخ داد، خطرات از‌دست‌دادن دسترسی به نفت خاورمیانه را به‌صورت جدی توصیف کرد. این تعهد به‌عنوان دکترین کارتر شناخته شد و از آن زمان تاکنون به‌عنوان ویژگی مشخص سیاست خاورمیانه ایالات متحده باقی مانده است. در زمان اعلام کارتر، ایالات‌متحده برای تأمین انرژی خود به‌شدت به واردات نفت متکی بود و ۲۹ درصد از این نفت از خلیج‌فارس تأمین می‌شد. حتی دو دهه بعد، چیز کمی تغییر کرده بود، در سال ۲۰۰۱، ایالات متحده هنوز ۲۹ درصد از نفت خود را از خلیج‌فارس وارد کرد. اما دیگر سال

۱۹۸۰ و ۲۰۰۱ نیست. امروز ایالات‌متحده فقط ۱۳ درصد از نفت خود را از کشورهای حوزه خلیج‌فارس تأمین می‌کند و علاوه‌بر تولید خود، بیش از عربستان سعودی از کمزیک نفت وارد می‌کند. با وجود اینکه، منطق، به اصطلاح دکترین کارتر منسوخ شده است، اما همچنان به شکل‌گیری رویکرد ایالات‌متحده به خلیج‌فارس ادامه می‌دهد، نمادی از شکست گسترده‌تر سیاست ایالات‌متحده برای جریان‌تغییرات گسترده‌تر در منافع ایالات متحده در منطقه از دهه ۱۹۸۰. نخستین قدم این است که ایالات متحده در جنگ‌های نیابتی شورای همکاری خلیج‌فارس با ایران دخالت کند. مجموعه‌ای از درگیری‌های گرم و سرد در منطقه -در عراق، لبنان، سوریه و یمن- به‌سادگی به تقویت نفوذ ایران و ایجاد سطوح فاجعه‌بار رنج انسان منجر شده است. عقب‌نشینی از مداخله ایالات‌متحده در مناطقی چون سوریه و یمن، بدون شیک باعث ایجاد دلهره فوری در خلیج‌فارس خواهد شد. با این حال، اکنون هزینه‌های هنگفت این باور نادرست که ایالات متحده می‌تواند به‌طور غیرمستقیم تأیج را در سوریه و یمن هدایت کند، کاملاً روشن است. اگرچه ایالات متحده باید همکاری‌های امنیتی خود را با کشورهای حاشیه خلیج فارس حفظ کند، اما ردهای ایالات متحده باید کوچک‌تر باشد. قبل از جنگ خلیج‌فارس، ایالات متحده بدون داشتن پایگاه‌های نظامی گسترده در بحرین، کویت، قطر و عربستان سعودی و بدون فروش سالانه میلیارد‌ها دلار سلاح به همین کشورها، می‌توانست از منافع خود در منطقه محافظت کند. بنابراین دولت بایدن باید به‌طورجدی کاهش پایگاه نظامی خود در منطقه را بررسی کند. تجدیدنظر در هزینه‌ها و مزایای استقرار ناوگان پنجم در بحرین شروع خوبی خواهد بود، زیرا ردهای عظیم ایالات‌متحده بیش از آنکه ارزش دارد، دردسر ساز می‌شود. او گفت‌وگوی امنیتی منطقه‌ای که شامل همه طرف‌ها باشد، می‌تواند جایگزین جنگ تسلیحاتی و جنگ‌های نیابتی شود. این ممکن است شبیه یک رؤیای آرمان‌شهری باشد، اما شاخه‌های سبز این گفت‌وگو سال‌هاست که نشان داده می‌شود و رهبری توانمند ایالات متحده، با استفاده از سرکه و عسل، می‌تواند ایجاد یک ساختار برای تشنج‌زدایی را آغاز کند. دولت جو بایدن بهترین موقعیت را دارد تا آمادگی منطقه را برای این نوع تنش‌زدایی در یمن آزمایش کند. ایالات متحده تنها کشوری است که می‌تواند تسوپ را به جلو براند. اگر واشینگتن بتواند راهی برای صلح در یمن پیدا کند، جایی که یک دولت فراگیر پس از هادی با هم‌زستی حوثی‌ها همزمان با بازسازی کشور با کمک بین‌المللی، می‌تواند ابثاتی برای گفت‌وگوی گسترده‌تر باشد. ایالات متحده

همچنین باید در زمینه حقوق بشر معامله سخت‌تری با کشورهای حوزه خلیج‌فارس انجام دهد. دربی حملات دونالد ترامپ به دموکراسی آمریکایی، برای بایدن مهم‌تر خواهد بود که صحبت‌های خود درباره حاکمیت قانون و حقوق شهروندی را با اقدامات در داخل و خارج از کشور مطابقت دهد. هرچند واشنگتن برای بازسازی نام جهانی خود کار دشواری در پیش دارد، اما پایان‌دادن به رویکرد واشنگتن در «هیج شری را نبین، هیچ شری را نشو» (چشم بستن بر اشتباه) خلیج‌فارس، کمک خواهد کرد. همچنین گفت‌وگوی ایالات متحده با کشورهای خلیج‌فارس درباره حقوق بشر باید واقع‌بینانه باشد. این کشورها یک‌شبه به دموکراسی‌های مدرن تبدیل نخواهند شد. اگر کشورهای خلیج‌فارس واقعا می‌خواهند سرمایه‌گذاری بین‌المللی را به خود جلب کنند، باید متوجه سرکوب‌های وحشیانه مخالف سیاسی و عدم حاکمیت قانون شوند. همچنین باید توجه کرد که اگر دولت بایدن بیش‌از‌حد سخت‌گیری کند، سرن خلیج‌فارس در سمت چین یا روسیه رویکردان می‌شوند. این جنگ سرد نیست؛ روسیه چیز زیادی در منطقه ندارد و با ادامه کاهش صرف جهانی نفت، مسکو ناگزیر برای خریداران با کشورهای حوزه خلیج‌فارس رقابت می‌کند. چین هم همچنان به‌دنبال فرصت‌های اقتصادی در منطقه خواهد بود اما در آینده نزدیک تمایلی به ایفای نقش امنیتی واقعی نخواهد داشت. به عنوان یک موضوع کلی، سیاست خارجی ایالات متحده به طرز خطرناکی بی‌مورد شده است، آلت موسیقی برای پخش آهنگی که ارکستر دیگر آن را اجرا نمی‌کند. اما سیاست ایالات متحده در خلیج فارس، جایی که منافع ایالات متحده تغییر کرده اما سیاست آن تغییر نکرده است، بیشترین تناقض را دارد.